



فصلنامه تخصصی اخلاق پژوهی

سال اول • شماره اول • بهار ۱۳۹۶

Quarterly Journal of Moral Studies

Vol.1, N. 1, Spring 2017

فضیلت‌گرایی پیشین و معاصر؛

یونان باستان و پینکافس

سید محمد باقر میرصانع* | هادی صادقی**

چکیده

فضیلت‌گرایی، از باسابقه‌ترین نظریه‌های اخلاقی است که در دهه‌های اخیر بار دیگر توجه فیلسوفان اخلاق را به خود جلب کرده و اقبال بسیاری از اخلاق‌پژوهان را در پی داشته است. ادموند پینکافس - فیلسوف فضیلت‌گرا و در نظر برخی از احیاکنندگان فضیلت‌گرایی در دوره معاصر - ضمن تخطئه آنچه که او فروکاهش‌گرایی در حوزه اخلاق می‌نامد، تقریری تازه و متفاوت از فضیلت‌گرایی ارائه داده است. در این مقاله پس از اشاره‌ای گذرا به مایه‌ها و مبانی نظریه فضیلت‌گرایانه افلاطون و ارسطو - سرآمدان فضیلت‌گرایی در یونان باستان - به مقایسه دیدگاه‌های فضیلت‌گرایی کلاسیک با انگاره‌های فضیلت‌گرایانه پینکافس، پرداخته شده است. پوشیده نیست که افلاطون و ارسطو، رویکردی غایت‌گرا داشته‌اند و از سویی فضایل را غیرنسبی و قابل بازگشت به فضیلت واحد می‌انگاشتند، اما پینکافس ضمن نقد فروکاستن اخلاق به یک یا چند فضیلت یا اصل اخلاقی محدود، بر کارکردگرایی به جای غایت‌گرایی تاکید می‌کند. مقایسه در چهار بخش معناشناسی، گونه‌ها و اقسام فضایل، ادله فضیلت‌گرایی و ملاک‌گزینش فضایل، به همراه نیم‌نگاهی تحلیلی و تاریخی انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها

اخلاق هنجاری، فضیلت‌گرایی، اخلاق فضیلت، فضایل، افلاطون، ارسطو، ادموند پینکافس.

* پژوهشگر گروه اخلاق نظری پژوهشگاه قرآن و حدیث | smb.mirsane@gmail.com

** دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث | sadeqi.hadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۷ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۵/۱۹ | (این پژوهش با حمایت پژوهشگاه قرآن و حدیث انجام شده است.)